

A Comparative Study of Planar Images of Sin and Repentance in the Holy Qur'an and the Bible

Sayyede Zahra Safoura Razzaqpour Reza'i¹

Jamshid Jalali Shaykhani²

Mozhgan Sarshar³

Commitment of a sin and the repentance afterwards are among the issues that have been very controversial in the history of Christian and Islamic thought, considering that talking about sin, along with the category of repentance, will lead to the forgiveness of a person. Thus, using the comparative method, while examining sin and repentance in terms of lexicology and terminology in the Bible and the Qur'an, this research has tried to present the similarities and differences of referents, factors and punishments of sin, as well as the conditions and stages of realizing repentance and its worldly and Hereafter effects in these two Holy Scriptures. The impressions of the Bible show that all human beings are born sinful and sins are forgiven by repentance after baptism. But the Qur'an states that humans are born with a pure nature. Both Holy Scriptures have introduced repentance as a factor of liberation from sin, but the procedure of this liberation is different in the two religions. In Christianity, after the baptism ceremony, repentance is done by the sinner's confession to the priest, while in the Qur'an, confession of sin is not allowed to be made to anyone other than to Allah.

Keywords: the Qur'an, the Bible, sin, repentance, forgiveness, planar images.

1. Ph.D. Student of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch of Islamic Azad University of Tehran.

2. (Corresponding Author), Associate Professor, Department of Religions and Mysticism, Islamic Azad University, Yadegar Imam Khomeini (RAH) Branch, Shahr-e Rey, Tehran.

3. Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch of Islamic Azad University of Tehran.

مطالعه تطبیقی انگاره‌های دووجهی گناه و توبه در قرآن کریم و انجیل*

سیده صفورا رزاق پور رضایی^۱
جمشید جلالی شیجانی^۲
مژگان سرشار^۳

چکیده:

ارتکاب گناه و توبه پس از آن، از جمله مسائلی هستند که در تاریخ اندیشه مسیحیت و اسلام بسیار بحث برانگیز بوده است با توجه به اینکه سخن گفتن از گناه، به همراه مقوله توبه، آموزش انسان را در پی خواهد داشت، از این رو این تحقیق با استفاده از روش تطبیقی، ضمن بررسی گناه و توبه از حیث لغت و اصطلاح در انجیل و قرآن، سعی نموده تا تشابه و تفاوت مصادیق، عوامل و مجازات گناه و همچنین شرایط و مراحل تحقق توبه و آثار دنیوی و اخروی آن را در این دو کتاب مقدس ارائه دهد. برداشت‌های صورت گرفته از انجیل نشان می‌دهد که همه انسان‌ها گناه‌آلود به دنیا می‌آیند و گناه بعد از غسل تعمید، با توبه بخشیده می‌شود. اما قرآن بیان می‌کند انسان‌ها با فطرت پاک متولد می‌شوند. هر دو کتاب مقدس توبه را عامل رهایی از گناه معرفی کرده‌اند، اما شیوه این رهایی‌بخشی در دو دین متفاوت است. در مسیحیت بعد از مراسم غسل تعمید، توبه با اعتراف گناهکار در مقابل کشیش انجام می‌شود، در حالی که در قرآن، اعتراف به گناه برای غیر خدا مجاز نیست.

کلیدواژه‌ها:

قرآن، انجیل، گناه، توبه، آموزش، انگاره‌های دووجهی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۱، تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2023.65765.3680

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران: ایران.
s.razaghpour2020@gmail.com

۲- دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران: ایران
(نویسنده مسؤول).
jalalishey@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران: ایران.
sarshar2008@gmail.com

ادیان ابراهیمی همگی به خدای واحد باور دارند و این اعتقاد به وجود خدای یگانه، پایه و اساس ادیان الهی است. (Andersen, 2019: 41) در تمامی ادیان، دوری از گناه و توبه، رکن اصلی ایمان به خدا و رسیدن به رستگاری به حساب می‌آید. (Pitre, 2021: 18) در کتاب مقدس آمده که نخستین کلام مسیح در میان موعظه‌اش این بود که از گناهان برگردید و نزد خدا توبه کنید. (Sugich, 2019: 35؛ متی، ۱۷/۴) گناه و توبه در اندیشه مسیحیت معنا و مفهوم ویژه خود را دارد؛ «با گناه آدم همه گناهکار شمرده می‌شوند». (رومیان، ۲۴/۳) در قرآن سخن از آن جنبه روحانی که در نهاد انسان از «وَنَفْسُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» نشأت گرفته، این چنین به میان آمده: «وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» (طه: ۱۲۱)؛ یعنی آدم پس از ارتکاب گناه، از درگاه خدا طلب بخشایش می‌کند و خداوند توبه او را می‌پذیرد. (دیللم و باقری، ۱۳۹۹: ۶۳) «آدم ذاتاً پاک و مؤمن بود و خداوند توبه‌اش را پذیرا شد و هدایتش کرد.» (طه: ۱۲۲).

در انجیل و قرآن، در مورد گناه و وسوسه‌های شیطانی و نافرمانی از خداوند، سخنان بسیاری آمده است: «هرکه گناه کند، قانون خدا را می‌شکند.» (یوحنا، ۴/۳) درباره وسوسه‌های شیطانی آمده است: «آن وقت روح خدا عیسی را به بیابان برد تا در آنجا شیطان او را با وسوسه‌ها آزمایش کند.» (متی، ۱/۴) همچنین در قرآن در مورد دشمنی شیطان و وسوسه نمودن انسان‌ها به سمت گناه، بارها هشدار داده شده است. در موارد زیادی، زشتی گناه به وسیله فطرت پاک انسان قابل تشخیص است، «اما شیطان با آراستن آنچه که انجام می‌دهند، آنها را در دام گناه گرفتار می‌کند» (انعام: ۴۳).

از بررسی مجموع آنچه ذکر شد، می‌توان ضرورت توبه پس از گناه را احساس نمود. آنچه اهمیت این بحث را بیشتر می‌کند، فراگیر بودن مسأله توبه در تمامی ادیان آسمانی می‌باشد.

نکته مهم برای شناخت ادیان، مطالعه تطبیقی است؛ چرا که در این رهگذر، نقاط قوت و ضعف هر دین در مقایسه با دین دیگر به چشم می‌آید. از این رو مقاله کنونی، مقایسه‌ای میان کتب مقدس دو آیین مسیحیت و اسلام است که امروزه در میان ادیان زنده جهان بیشترین پیرو را دارند. این دو آیین از جهات متعددی در مورد گناه و توبه شباهت و اختلاف دارند. روش مقاله نیز از نوع تطبیقی و روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع کتابخانه‌ای می‌باشد.



پیشینه‌شناسی

کارگر و فلاح در پژوهشی با عنوان «واکاوی نقش گناه و توبه در تأخیر و تعجیل ظهور منجی یهود»، به این نتیجه دست یافتند که یکی از موانع ظهور ماشیح، گناه است؛ زیرا همان طور که گناه سبب بدبختی بنی اسرائیل شد، توبه هم گرفتاری‌ها را از آنان رفع کرد. صمدی در کتابی با عنوان «آثار گناه در زندگی و راه جبران»، با استناد به آیات و روایات، برخی از تبعات منفی گناه را بیان کرده و توبه را به‌عنوان یکی از راهکارهای آن بازگو نموده است. فلاح و میرحسینی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی توبه در قرآن و اوستا»، خوشدل روحانی و بیگدلی در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی تطبیقی آموزه گناه نخستین از نظر اسلام و مسیحیت با تکیه بر آراء علامه طباطبایی و آگوستین»، سلیمانی میمند در پژوهشی با عنوان «بررسی سنت توبه و اعتراف به گناه از دیدگاه اسلام و مسیحیت»، همچنین آقچه کهریزی، در پایان‌نامه «بررسی تطبیقی توبه و اعتراف به گناه از دیدگاه اسلام و مسیحیت»، به مسأله گناه و توبه و پیامدهای فردی، مذهبی و اجتماعی آن پرداختند. در مورد موضوع «گناه» و «توبه»، آثار متعددی اعم از کتاب و مقاله ارائه شده است. به‌ویژه مفسران دو دین مسیحیت و اسلام در تفسیر آیات مرتبط با موضوع، مطالب ارزشمندی را بیان کرده‌اند. اما در نوشته‌هایشان به‌صورت پراکنده و جدای از هم به مقوله گناه و توبه در دو کتاب مقدس پرداخته‌اند. مقاله حاضر، به بررسی تشابه و تفاوت مفهوم گناه و توبه از نگاه انجیل و قرآن می‌پردازد که بر اساس جست‌وجوی نویسندگان، تاکنون در این باره، اثری مستقل و منسجم ارائه نشده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. گناه

گناه در لغت فارسی به‌معنای جرم، خطا، معصیت، نافرمانی، و ... است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۱/۴۲۷) این کلمه در زبان عرب با واژه‌های مختلفی آمده که یکی از این واژه‌ها، کلمه «ذنب» می‌باشد. راغب در *المفردات* می‌نویسد: «الذنب در اصل به‌دست گرفتن دنباله چیزی است». واژه دیگری که به معنای گناه آمده، «اثم» است. راغب آن را کاری دانسته است که انسان را از ثواب و پاداش باز می‌دارد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۸: ۲۰/۲) ابن منظور در *لسان‌العرب* می‌نویسد: «مراد از اثم به‌معنای گناه، انجام کاری است

که حلال نیست.» (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۵/۱۲) علامه طباطبایی نیز اثم را به کلمه ذنب نزدیک می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۲/۲۸۹) باید توجه داشت هرچیزی که به عزت و کرامت انسان ضربه وارد می‌کند، گناه محسوب می‌شود. (رمضانی، ۱۳۸۳: ۸۹) بنابراین می‌توان گفت گناه، یعنی نافرمانی از قانون؛ چه قانون طبیعی و اجتماعی باشد، و چه قانون الهی و دینی.

واژگان متعددی در قرآن به گناه اشاره دارد که عبارت‌اند از: اِثْمٌ، جُنَاحٌ، ذَنْبٌ، خَطِيئَةٌ، مَعْصِيَةٌ، سَيِّئَةٌ، جَرْمٌ، وَزْرٌ، حِنْثٌ، لَمَمٌ، حُوبٌ، فَسْقٌ، فَاحِشَةٌ و منکر. اینک به واژگانی در قرآن کریم که صراحت بیشتری نسبت به سایر کلمات دارد، اشاره می‌گردد.

الف) وزر: برای سنگینی حمل گناه دیگران به‌کار می‌رود.

ب) خطیئه: برای گناه غیرعمدی و گاهی گناه بزرگ نیز استعمال شده است.

ج) معصیت: یعنی خروج از فرمان خدا. (قرآنی، ۱۳۹۱: ۸-۹)

گناه در قرآن با عناوین گناهان کبیره و صغیره نیز مطرح شده است (نساء: ۳۱).

همچنین گناه و نافرمانی دارای مراتبی است که باید روشن شود:

۱- **گناه قانونی و شرعی:** معنای مشهوری از گناه بوده و منظور از آن، تخلف از قانون مطاع (اعم از قانون دینی یا غیر دینی) است. این مرحله در امور شرعی مطابق است با تخلف از اوامر و نواهی مولوی و ما معتقدیم که تمامی انبیا از ارتکاب این قسم از گناه معصوم‌اند. (مظفر، ۱۳۸۷: ۲۶۶)

۲- **گناه اخلاقی:** یعنی کاری که مخالف مکارم اخلاق بوده و از حیث قانون و شارع حرام نیست. طبیعی است افرادی که از نظر اجتماعی و دینی الگوی دیگران‌اند، باید از این نوع گناهان نیز مبرا باشند. آشکار است کسی که خدا اخلاق او را تأیید کرده (قلم: ۴) و او را اسوه معرفی می‌کند (احزاب: ۲۱)، از این نوع تخلفات هم مصون خواهد بود. (همان)

بنابراین گناه مراتبی دارد. هر کس بر اساس مرتبه‌ای که از عبودیت خدا دارد، در همان مرتبه گناهی دارد؛ همچنان‌که فرموده‌اند: «حَسَنَاتُ الْاَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُقْرَبِينَ»، و به همین مناسبت، خداوند به رسول گرامی خود دستور می‌دهد: «برای گناهت طلب آمرزش کن!» (غافر: ۵۵). مسلم است پیامبر به‌خاطر مقام عصمت، مرتکب گناهی نمی‌شد. این گونه تعبیرات در قرآن مجید در مورد پیغمبر اسلام ﷺ و سایر انبیا،



اشاره به گناهان نسبی است، چون اعمالی که در مورد افراد عادی عبادت است، در مورد انبیای بزرگ گناه محسوب می‌شود.

در الهیات مسیحی نیز اصطلاحات مرتبط با آموزه گناه از این قرار است:

۱- گناه اولیه (Original Sin): در سنت مسیحی متعارف، گناه اولیه اشاره به گناهکاری کلی و ارثی انسان از هبوط آدم عليه السلام به بعد دارد. (Harper, 2016: 47) البته نظریه گناه نخستین به صورت هدفمند در متن کتاب مقدس نیامده است. در واقع این انگاره بر عبارت‌های پراکنده‌ای از کتاب مقدس استوار است. به اعتقاد مسیحیان، انسان در آغاز آفرینش در کمال راستی و درستی بود، اما آدم معصیت کرد و گناه‌آلوده شد. (بوش و دیگران، ۱۳۷۴: ۷۳۸/۲) آگوستین در کتابش به نام شهر خدا می‌گوید: «آدم با گناه از بهشت رانده شد و به مرگ محکوم شد. پس از آن، نسل آدم وارث این گناه‌اند.» (Augustin, 1989, book13: chapter3)

۲- گناه واقعی (Actual Sin): گناه واقعی معمولاً به‌عنوان عملی تعریف می‌شود که نه‌تنها کردار، بلکه افکار را نیز دربر می‌گیرد و عامدانه انجام می‌شود. (Harris, 2021: 50؛ هاوی، ۱۳۹۰: ۳۲۰) گناه در دین به‌معنای عمل غیراخلاقی و نافرمانی خداست. (ویور، ۱۳۸۱: ۴۹۴)

۳- گناه کبیره و صغیره (Mortal and venal Sins): گناهان کبیره بر ضد محبت خداوند بوده و به سبب عمدی بودن، مستحق لعنت ابدی هستند. (هیلنز، ۱۳۸۶: ۵۴۶) گناهان صغیره، گناهانی هستند که قابل بخشش است. (بوش و دیگران، ۱۳۷۴: ۷۹۲/۲) گناهان صغیره حتی اگر وخیم هم باشند، ارتباط با خدا را قطع نمی‌کنند (Harmon and Gladd, 2021: 20) اصلاح‌گران پروتستان تمایز میان گناه کبیره و صغیره را رد می‌کنند؛ تا حدی که آنها تمایل دارند گناه را در تضاد با ایمان بدانند، نه در تضاد با فضیلت. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۷۶: ۲۳۲)

۲-۱. توبه

توبه از مسائلی است که در دو دین اسلام و مسیحیت مورد توجه می‌باشد؛ چرا که سخن گفتن از گناه، مقوله توبه و آمرزش را نیز در پی خواهد داشت. توبه از ریشه «توب» در لغت به‌معنای بازگشت از گناه است. (ابن فارس، ۱۴۱۱: ۳۵۷) راغب اصفهانی «توب» را ترک گناه که بهترین وجه آن پوزش است، معرفی می‌کند. (راغب

اصفهان، ۱۳۷۸: ۱۶۹/۲) معادل انگلیسی توبه در عهد جدید، کلمات "Repentance" و "Subpenitence" می‌باشد.

تعریف اصطلاحی متعددی از توبه ارائه شده است. در مجمع‌البیان آمده: «اصل توبه رجوع از عمل گذشته است.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۰۰/۱۱) به نظر ملا احمد، توبه ضد اصرار بر معاصی است. (نراقی، ۱۳۷۱: ۶۷۴) امام محمد غزالی توبه را علم به عظمت گناه می‌داند. (غزالی، ۱۴۰۶: ۳/۴) از نظر ابن مسعود، «توبه این است که شخص خود را از گناه خلع کند.» (قرضاوی، ۱۳۸۰: ۸۵) به عقیده استاد مطهری، توبه یعنی نوعی انقلاب درونی از ناحیه انسان علیه خود انسان. (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۱۲) بنابراین توبه به معنای پشیمانی و تصمیم بر انجام ندادن آن گناه در آینده است.

۲. مقایسه گناه در انجیل و قرآن

۲-۱. ماهیت گناه

یکی از موضوعاتی که در انجیل و قرآن اهمیت دارد، مسأله گناه است. تفسیر گناه در منابع مسیحی با اسلام تا حدودی متفاوت است. کتاب مقدس، گناه را به دو حالت منفعل و فعال طبقه‌بندی می‌کند. قصورات جزء گناهان منفعل است و گناهان فعال شامل تخلف از یک حکم اخلاقی است. (استات، بی‌تا: ۵۶) «هرکه گناه کند، قانون خدا را می‌شکند.» (یوحنا، ۴/۳)

در اصطلاح مذهبی، گناه به معنای سرپیچی از فرمان خداوند است. پولس بر این نکته تأکید می‌کند که «آدم باعث شد تا عده زیادی گناهکار شوند.» (Baham, 2020: 7) این کلام اشاره به گناه اولیه یا نخستین دارد. در سنت مسیحی متعارف، گناه اولیه اشاره به گناهکاری ارثی انسان از هبوط آدم عليه السلام به بعد دارد. این امر مغایر با گناه واقعی است که یک مخالفت خودآگاهانه با شریعت خداوند است. طبق تعالیم انجیل، «در هر حال، گناه واقعی از وضعیت گناه اولیه نشأت می‌گیرد، اما آن را باید از گناه اولیه متمایز دانست.» (هاوی، ۱۳۹۰: ۲۳۱) همچنین باید اذعان داشت که کلمه گناه در مواردی چون «رنج وجدان» مورد استفاده قرار می‌گیرد. «اگر فکر می‌کنی کاری که می‌کنی، در حضور کسانی که از آن کار می‌رنجند، از انجام دادن آن پرهیز کن.» (Addai- Mensah, 2020: 106) بدیهی است کتاب مقدس همگانی بودن گناه را به طور صریح و روشن



بیان می‌کند. این گناهکاری عمومی محدود به اعمال گناه‌آلود نیست، بلکه شامل ذات گناه‌آلود هم می‌شود.

در خصوص گناه در قرآن باید گفت گناه به معنای خلاف است؛ هرچند کوچک و ناچیز باشد. خداوند در آیه ۱۲۱ سوره طه می‌فرماید: «آدم نافرمانی خدا کرد و گمراه شد.» همچنین در آیه‌ای دیگر آمده: «و هر کس نافرمانی خدا و رسولش کند، آتش دوزخ از آن اوست.» (جن: ۲۳). در آیه ۳۲ سوره نجم نیز آمده: «نیکوکاران کسانی هستند که از گناهان بزرگ پرهیز می‌کنند.»

در همه ادیان در طول تاریخ می‌توان وجود مفهوم گناه را مشاهده کرد. طبعاً نوع آدم در قالب هر دینی، با مقوله گناه مواجه است. در وجه اشتراک قرآن و انجیل باید گفت هر دو کتاب از مفاهیم مختلفی برای معرفی گناه استفاده نموده‌اند، اما تفاوت در آن است که تعداد واژگان و مفاهیم قرآن از شمول بیشتری برخوردار بوده و نگاه جامع‌تری نسبت به این موضوع دارد.

۲-۲. عوامل گناه

انجام گناه وابسته به علل و عواملی هست و با شناخت علل و عوامل ارتکاب گناه، می‌توان در پی خشکاندن ریشه‌های آن برآمد. عوامل گناه از این قرار است:

۲-۲-۱. فطرت و ذات انسان

مسیحیت همه انسان‌ها را ذاتاً گناهکار می‌داند. از نگاه آنان، با گناه آدم عليه السلام، گناه داخل جهان گردید و عیسی مسیح عليه السلام جان خود را فدا کرد تا گناهان بشر بخشیده شود. بنابراین نسل بشر گناهکار است. طبق تعالیم کتاب مقدس انجیل، نسل انسان گناه‌آلود است. (رومیان، ۱۹/۵) و چنین تعلیم می‌دهد که «آدم باعث شد که عده زیادی گناهکار شوند». به اعتقاد آنسلم (Canterbury of Anselm)، گناه اولیه، فطری و اجتناب‌ناپذیر است. (Anselm, 2012: 201) بنابراین هنگامی که انسان هبوط یافت، با تلاش خود نتوانست دوباره جایگاه قبلی خود را در وجود به‌دست آورد. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۷۶: ۲۳۳)

اعتقاد به گناه نخستین در مقابل تعالیم اسلام قرار دارد. طبق تعالیم قرآن کریم، انسان‌ها وقتی به دنیا می‌آیند، هیچ چیز جز طبیعت صحیح و سالم در آنها نیست و به

حکم «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس: ۸)، زمینه خیر و شر در وجودشان است. و این سخن که گناه آدم ذریه او را گناهکار کرد، از حقیقت به دور است؛ زیرا لازمه‌اش آن است که به‌طور کلی، گناه هر انسانی گناه دیگران هم شمرده شود و این معنا، هم به لحاظ عقلی و هم به تصریح قرآن مردود است.

۲-۲-۲. شیطان

در انجیل، چهره شیطان به‌صورت شخصیتی حاکم بر عالم ترسیم شده است: «شیطان در مقام وسوسه‌گر، عیسی عَلَيْهِ السَّلَام را با سه وسوسه آزمایش می‌کند». (لوقا، ۱/۴-۱۳) آن وقت روح خدا عیسی عَلَيْهِ السَّلَام را به بیابان برد تا در آنجا شیطان او را با وسوسه‌ها آزمایش کند. (Moral, 2021: 13) «شیطان می‌خواهد انسان را در گناه بیفکند.» (انجیل برنابا، ۶۱/۸)

آیات قرآن کریم نیز به خوبی نشان می‌دهد که شیطان از راه علاقه ذاتی انسان به تکامل و نیل به زندگی جاودانه، وی را می‌فریبد. در آیه ۲۰ سوره اعراف آمده: «گفت: پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرد، جز برای آنکه مبادا دو فرشته گردید.» (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۳۴/۸) در آیه ۱۰۰ سوره نحل می‌خوانیم: «تسلط شیطان تنها بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده‌اند.» «پس امروز شما ابلهان که سخن بی‌دلیل مرا پذیرفتید، مرا ملامت نکنید» (ابراهیم: ۲۲). از این آیات به‌خوبی روشن می‌گردد که «شیطان» یکی از عوامل بروز گناه از جانب انسان‌هاست.

۲-۲-۳. طرز فکر انسان

کانون دیگری که سرچشمه کارهاست، تفکر است. این فکرها و حرف‌های زشت انسان است که به او لطمه می‌زند. (مرقس، ۱۶/۷) آنچه انسان را نجس می‌سازد، طرز فکر اوست. (همان، ۲۰) اعمال انسان برگرفته از افکار اوست. چنانچه افکار در مسیر صحیح پیش برود، انسان در راه هدایت قدم گذارده و اگر از مسیر منحرف شود، آدمی در دام گناه اسیر می‌شود.

۲-۲-۴. قلب

نیت‌های پاک و آلوده، هر دو از قلب سرچشمه می‌گیرد. اگر بخواهیم به گناه آلوده نشویم، باید سراغ سرچشمه که همان قلب است، برویم. (آریان و جهان‌پناه، ۱۳۹۸: ۷۹)



«تمام این چیزهای شرم‌آور از قلب انسان سرچشمه می‌گیرد و انسان را نجس ساخته». (مرقس، ۲۳/۷) «گناه از قلب انسان سرچشمه می‌گیرد». (همان، ۲۱)

در قرآن کریم ۱۳۲ بار سخن از قلب به میان آمده و در آیات متعدد، از قلب کافران، به قلب مهرزده، بیمار و سخت یاد شده است. خداوند در آیه ۱۰ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: «در قلوب آنها بیماری بود». از منظر قرآن، گناهان زیاد موجب سیاه شدن قلب انسان می‌گردد. ملکات و صفات رذیله انسان است که موجب زنگارهایی شده و به‌طور مستقیم بر آینه قلب می‌نشیند و چهره طبیعی این آینه را تغییر می‌دهد.

۲-۲-۵. امیال نفسانی

آدمی خالی از امیال و شهوات نفسانی نیست. اگر زمینۀ بیرونی میدان یافتنِ امیال نفسانی فراهم گردد، آدمی به انواع گناهان آلوده می‌گردد. «ما انسان‌ها طبیعتاً دوست داریم امیال نفسانی خودمان را به‌جا بیاوریم که مخالف چیزهایی است که روح پاک خدا می‌خواهد.» (غلاطیان، ۱۷/۵) نیاز انسان به غرایز و تمایلات برای هدف متعالی آفرینش ضروری است، اما باوجود این حقیقت، مادام که بشر نتواند این امیال و غرایز را کنترل کند، دچار گناه خواهد شد.

«وَلَا تُطْعَمَنَّ مِنْ أَعْفَلْنَا قَلْبُهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبَعِ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا» (کهف: ۲۸). در این آیه، غفلت از ذکر الهی و اتباع هوا، ملازم شده با خروج از حدّ معروف که گناه است. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۶۰/۱۳) باید بدانیم در صورت عدم توان مقابله با نفسانیات و تبعیت از آن، گناه در انسان شکل می‌گیرد.

۲-۲-۶. همنشین و دوست بد

دوست بد عامل ویرانگری برای نابودی شخصیت انسان است. در انجیل و قرآن توجه بسیار به این موضوع شده که همنشین و دوست بد، عامل مهمی برای سوق دادن فرد به سوی گناه است. «با اینکه می‌دانند خدا برای این کارها مجازات مرگ تعیین کرده است، هم خودشان و هم دیگران را نیز به این کارها تشویق می‌کنند» (رومیان، ۳۲/۱). در آیات ۴۲ تا ۴۵ سوره مبارکه مدثر آمده: «... ما پیوسته با اهل باطل همنشین و هم‌صدا بودیم». قرآن به پیروان خود می‌آموزد که در روابط انسانی، با دوستان برانگیزنده به کارهای خیر و بازدارنده از گناه و زشتی بپیوندند.

بر عوامل گناه در هر دو آیین تأکید شده است، اما تفاوت در آموزه‌های این کتب آنجاست که در قرآن، عواملی زمینه‌سازگناه هستند، در حالی که در تعالیم مسیحی، همه انسان‌ها گناه‌آلود به دنیا آمده و پیوندی ذاتی با طبیعت بشری دارد. (مک‌گراث، ۱۳۸۶: ۱۷۰) بنابراین عوامل بروز گناه در تعالیم انجیل ایجابی نمی‌باشد و با توجه به خلقت اولیه و ذاتی انسان بر گناه، این عوامل بیشتر جنبه تقویتی در بروز گناهان دارند.

۲-۳. مصادیق گناه

گناهانی که از فرد گناهکار صادر می‌شود، مصادیق مختلفی دارد؛ «بعضی از گناهان بخشودنی نیست، ولی بعضی از آنها بخشودنی است» (یوحنا، ۱۶/۵). تعداد گناهان در انجیل عبارت‌اند از:

- شرک؛ «کسانی که به جای خدا شخص را می‌پرستند». (مکاشفه، ۸/۲۱)
- عقوق پدر و مادر؛ «هر که به پدر و مادر خود فحش دهد، باید کشته شود». (مرقس، ۱۰/۷)
- دزدی، آدم‌کشی، زناکاری و انحرافات جنسی و بی‌عفتی، طمع به مال دیگر، شرارت، فریب، تقلب و ... (همان، ۲۱)

آیه ۳۱ سوره نساء می‌فرماید: «اگر از گناهان بزرگی که نهی شده‌اید دوری کنید، از گناهان شما درگذریم.» همچنین در آیه دیگری آمده: «(نیکوکاران) کسانی‌اند که از گناهان بزرگ و زشتی‌ها پرهیز می‌کنند» (نجم: ۳۲). لازم به ذکر است بزرگی و کوچکی گناه دو امر اعتباری هستند که بر هر معصیتی عارض می‌شوند. گناهی که انسان مرتکب می‌شود، از این نظر که بی‌اعتنایی به امر پروردگار است، کبیره است، ولی همین گناه به این اعتبار که هنگامی سر زده که آدمی در کوران عواطف درونی، یعنی شدت خشم و یا غلبه ترس قرار گرفته بوده، گناه صغیره است. از جمله گناهان کبیره‌ای که می‌توان از آنها نام برد، شرک به خدا (نساء: ۴۸)، ناامیدی از رحمت خدا (یوسف: ۸۷)، ایمنی از مکر (عذاب و مهلت) خدا (اعراف: ۹۹) و ... می‌باشد. اگرچه باید توجه داشت در مورد شماره گناهان کبیره، اختلاف نظرهایی در کلام مفسران وجود دارد.

در این دو کتاب باوجود شباهت‌های فراوان در زمینه مصادیق گناه، تفاوت‌های جزئی نیز دیده می‌شود. به‌عنوان مثال، انجیل، زیاده‌روی در مصرف شراب را زمینه‌ساز گناه می‌داند، اما در قرآن به‌شدت از آن نهی شده است. به‌نظر علامه طباطبایی، آخرین



آیه‌ای که در قرآن برای تحریم نوشیدن شراب نازل شد، آیه ۹۰ سوره مائده است. (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۱۲۰/۹) مفسران می‌گویند اینکه خداوند شراب را در کنار بت‌ها قرار داده و آن را پلید دانسته، نشان از حساسیت ویژه به تحریم شراب بوده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷۲/۵) همچنین به روایات استناد کرده‌اند که شراب‌خوار مانند عبادت‌کننده بت است. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۶۶/۱)

۲-۴. مجازات گناه

کردار انسان خواه نیک و خواه بد، دارای پیامد و نتیجه در دنیا و آخرت است. از تعالیم انجیل و قرآن استفاده می‌شود که جزا و سزای دنیوی و اخروی عمل، مقتضای عدل الهی است؛ «روزی که در آن خدا تمام مردم جهان را عادلانه محاکمه می‌کند؛ زیرا او به هر کسی مطابق کارهایشان پاداش یا کیفر خواهد داد.» (رومیان، ۵/۲) به عقیده مسیحیان، مجازاتی که قانون شریعت تعیین نموده است، یک عمل انضباطی یا اصلاح‌کننده نیست، بلکه اجرای عدالت است. (محمدی، ۱۳۹۰: ۴۳)

آیات در کتاب انجیل درباره خشم و غضب خداوند به‌عنوان کیفرهای دنیوی بر گناهکاران زیاد است: «خدا خشم و غضب خود را مثل بلای آسمانی بر تمام اشخاص گناهکار و نادرست نازل می‌کند.» (رومیان، ۱/۱۸)

در الهیات مسیحیان، آگوستین معتقد است برای گناهکاران هنگام داوری نهایی، نوع جدیدی از مرگ اتفاق خواهد افتاد که از هر شری بدتر و سخت‌تر است. (آگوستین، ۱۳۹۲: ۵۴۵) در تعالیم انجیل، مرگ به‌مثابه مجازات نافرمانی انسان از دستور خداوند قرار گرفته و چنانچه آدمی در گناه غوطه‌ور گردد، به مجازات الهی گرفتار می‌شود.

قرآن کریم نیز در آیه‌های متعددی دیدگاه انجیل را در مورد مجازات‌های الهی تأیید می‌کند: «بر ستمگران به‌خاطر نافرمانی عذابی از آسمان فرستادیم» (بقره: ۵۹)، «چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه اعمالشان همانند زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است» (شوری: ۳۰). ممکن است برخی از این مجازات‌ها در همین دنیا گریبانگیر انسان شود و بعضی دیگر در آخرت بر او جاری گردد که به مراتب سخت‌تر خواهد بود؛ «آنان که اعمال بدی انجام دهند، به رو در آتش افکنده می‌شوند. آیا جزایی جز آنچه عمل می‌کردید، خواهید داشت؟!» (نمل: ۹۰). تعالیم قرآن گواهی می‌دهد که گناهایی که از

انسان صادر شده، در هلاکت و نابودی آنان نقش داشته است. گواه این سخن، اقوامی هستند که مورد خشم خدا قرار گرفته و به مجازات گناهانشان نابود گشتند.

در مجموع با توجه به آیات انجیل و قرآن، می‌توان دریافت که مکافات عمل هم در دنیا و هم در آخرت وجود دارد، که مقتضای عدل الهی است. شایان ذکر است در نظر آگوستین، مرگ، مجازات گناه آدم است (Augustine, 1958: 419)، در حالی که این نوع مرگ، مورد قبول قرآن نیست. وجه تشابه در این دو کتاب آن است که گناهان ما درخور کیفرند؛ زیرا گناه تخطی از فرمان خداوند و روی گرداندن از خداست و اهانتی عمیق به ساحت اوست که تنها حکم درخور آن، کیفر ابدی است. (پترسون و دیگران، ۱۳۷۶: ۶۹)

۳. مقایسه توبه در قرآن و انجیل

در هر دو کتاب، خداوند برای بازگشت انسان‌های آلوده به گناه و خطا، راهی را به نام توبه قرار داده که در ادامه به بیان آن پرداخته می‌شود.

۳-۱. ماهیت توبه

توبه تغییری می‌باشد از روح‌القدس که کمک یافته از گناه دوری جوید. (هاکس، ۱۳۷۷: ۲۶۸) قاعده فیض، اصل و اساس تمام اعتقادات مسیحی بود و در این دین، باید بدان معتقد شد. بنابراین تمام آنچه در دین مسیحی پیرامون بازگشت به خدا وجود دارد، بعد از اعتقاد به این اصل است. البته این اصل، تا سال‌ها این بنا را در مسیحیت به‌وجود آورد که توبه نفعی به حال انسان‌ها ندارد و اصولاً محال است که انسان از آن استفاده کند و این نظر، قرن‌ها در کلیسا مورد عمل بود. البته در قرون گذشته کاملاً تغییر کرده و راه‌هایی در قالب توبه وجود دارد؛ «نخستین کلام مسیح در اولین موعظه‌اش این بود: توبه کنید». (متی، ۱۷/۴) «زمانی که مأموریت عظیم را به شاگردانش سپرد تا به همه قوم‌ها توبه را موعظه کنند». (لوقا، ۴۷/۲۴) و یا: «خداوند دستور داده تا همه مردم -در هر جای دنیا- توبه کنند». (متی، ۲/۳)

قرآن کریم در آیات متعددی مردم را به توبه و رجوع از گناه تشویق کرده است. قرآن کریم تنها به تشویق اکتفا نکرده، بلکه در مواردی دستور اکید و جویی بر لزوم توبه داده است که حتی وجوب آن فوری و بدون تأخیر است. در قرآن، توبه در وجوه



مختلفی به کار رفته است: وجه اول به معنای پشیمانی است: «فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ» (بقره: ۵۴).
وجه دوم به معنای عفو و گذشت است: «وَيُتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» (احزاب: ۷۳).
وجه سوم به معنای بازگشت از چیزی است: «سُبْحَانَكَ ثُبْتُ إِلَيْكَ» (اعراف: ۱۴۳).

لازم به ذکر است در قرآن، واژه توبه با دو حرف «جر» همراه شده است: ۱- «تاب الی الله»: یعنی «أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده: ۷۴). ۲- «تاب الله علیه» (عاطف الزین، ۱۴۲۲: ۱۵۵): توفیق توبه دادن، آسان گردانیدن دشواری (معلوف، ۱۳۸۲: ۱۹۴)، بازگشت خداوند به بنده اش همراه با لطف و بخشش گناهان (زبیدی، ۱۳۸۶: ۷۷)؛ مانند: «وَيُتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» (احزاب: ۷۳).

از مطالب بالا این گونه استنباط می شود که توبه فقط برای انسان ها نیست، بلکه برای خداوند نیز مصداق پیدا می کند. توبه خدا یعنی بازگشت حق تعالی به بندگان و راضی شدن او نسبت به ایشان، که حرف «الی» و «علی» مؤید این مطلب است. با وجود این نکته در قرآن، باید خاطر نشان کرد در مسیحیت، توبه خدا مطرح نیست.

۲-۳. شرایط و مراحل توبه

توبه همراه با یک سلسله شرایط معنوی و عملی قابل تحقق است. برای بررسی مراحل توبه در انجیل، باید به قاعده فیض توجه داشت. راه های بازگشت به خدا زمانی مؤثر خواهد بود که شخص اعتقاد به فدا شدن عیسی مسیح علیه السلام و فیض او به بشر داشته باشد. (حقانی زنجانی، ۱۳۶۵: ۵۸) فیض خدا برای نجات انسان ها از راه مرگ عیسی بر روی صلیب تحقق می یابد. از دیدگاه مسیحیان، مرگ عیسی علیه السلام به عنوان نقطه مرکزی عمل نجات بخش خدا تفسیر شده است. خدا در مسیح عمل کرد تا بشر را از اسارت گناه نجات بخشد. خداوند پسرش را تسلیم مرگ بر روی صلیب کرد. (یوحنا، ۱۶/۳) پس عامل اصلی نجات انسان خداست و تنها با فیض ازلی است که انسان نجات می یابد، نه با فعالیت های خود. این فیض نیز تنها از طریق یک منجی، یعنی عیسی مسیح علیه السلام که به صلیب رفت تا گناه آدم را فدیة دهد، عطا می شود. البته انسان می تواند با مسیح در باز خرید و رهایی از قید و بند گناه سهیم شود و راه آن از نگاه پروتستان ها، ایمان و پاسخ مثبت به ندای مسیح و از نظر کاتولیک ها، مراسم آیین کلیسا می باشد که مهم ترین آنها غسل تعمید است. (لگنهاوزن، بی تا: ۲۹)

مسیحیان بیشتر آیین مقدس غسل تعمید را که آیین طهارت است، به‌عنوان آیینی برای پالایش روح از ننگ گناه نخستین توصیف می‌کنند. (Edwards, 2017: 39) در غسل تعمید، همه نوع گناهی بخشیده می‌شود. غسل تعمید برای هر مسیحی تنها یک بار انجام می‌شود. کسی که آیین مسیحیت را می‌پذیرد، باید از این مرحله عبور کند تا بتوان نام مسیحی بر وی گذاشت؛ درست مثل اسلام که برای مسلمان شدن، اقرار به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر نیاز است. اصل تعمید در کتاب مقدس قطعی بوده و آیات بسیاری بدان پرداخته‌اند: «در این وقت اورشلیم و جمیع حوالی اردن نزد او می‌آمدند و به گناهان خود اعتراف کرده و در اردن از وی تعمید می‌یافتند». (متی، ۵/۳) مسیحیان معتقدند حضرت مسیح ﷺ پیروان خود را به تعمید مردم به نام پدر و پسر و روح‌القدس فرا خوانده است. در میان فرقه‌ها و مذاهب مسیحی، غالباً انجام آن را به توبه و ایمان و تعلیم شخص منوط می‌کنند، سپس تعمید به‌عنوان تطهیری برای پاک شدن از گناه ذاتی انسان و شریک شدن در مرگ و رستاخیز عیسی ﷺ و صاف شدن از گناه ابتدایی و ذاتی انسان شناخته می‌شود.

از منظر قرآن، از آنجا که توبه، لطف و رحمتی از سر امتنان است، اگر وجوب آن شرعی باشد، با این امتنان نمی‌سازد؛ چرا که در صورت عدم توبه، دو مجازات متوجه انسان گناهکار می‌شود: یکی به جهت اصل گناه، و دیگری به سبب تأخیر و نافرمانی توبه. بنابراین آنچه مناسب به‌نظر می‌رسد، این است که وجوب آن را عقلی بدانیم و دستورات قرآن را نیز از باب ارشاد و تأکید بر فرمان عقل به حساب آوریم. قرآن در مورد اهمیت توبه می‌فرماید: «و تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (نور: ۳۱). با توجه به مشتقات توبه و نام‌گذاری یک سوره به این نام در قرآن، می‌توان به اهمیت آن به‌عنوان ابزاری کارآمد در بازسازی شخصیت تخریب‌شده فرد گناهکار هنگام سقوط در ورطه گناه پی برد. با توجه به آیات متعدد از انجیل و قرآن کریم، می‌توان شرایط تحقق توبه را به شرح زیر بیان کرد:

الف) پشیمانی: یکی از مهم‌ترین و اولین ارکان توبه، پشیمانی از گناهان سابق است. توبه، پشیمانی و حسرت و تأسف است بر آنچه که گذشته است. (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۳۴) ندامت قلبی شرط لازم برای توبه است. به تعبیر دیگر، نخستین قدم توبه، پشیمانی درونی است. اگر حقیقتاً در درون قلب تائب تحول رخ دهد و از گناهی که مرتکب شده تنفر پیدا کند و پشیمان گردد، اولین قدم برداشته می‌شود.



ب) **ترک گناهان گذشته:** در انجیل ترک گناهان گذشته، به عنوان یکی از مراحل توبه آمده است؛ «قبل از اینکه شما را تعمیم بدهم، باید کارهای شایسته‌ای انجام بدهید تا ثابت کنید که از گناهانتان دست برداشته‌اید.» (اعمال رسولان، ۹/۳۸) آیه ۱۳۵ سوره آل عمران می‌فرماید: «توبه کسانی پذیرفته می‌شود که بر انجام گناه گذشته اصرار ندارند.» اصرار بر گناه، خود یک نوع گناه است و یک فرد پرهیزکار سعی می‌کند که خود را آلوده گناه نکند و اگر احیاناً گناهی از او سر زد، بر آن اصرار نمی‌کند و از تکرار آن می‌پرهیزد. (جعفری، بی تا: ۲۴۶/۲)

ج) **اقرار و اعتراف به گناه:** یکی دیگر از شرایط توبه در انجیل و قرآن، اعتراف به گناه است. منظور از اعتراف، همان توبه از گناهان می‌باشد که در مسیحیت از آن با نام «سنت اعترافات» هم یاد می‌شود؛ «ولی اگر گناهانمان را اعتراف کنیم، می‌توانیم خاطر جمع باشیم که ما را می‌بخشد.» (یوحنا، ۹/۱) همچنین هر فرد مسیحی، علاوه بر اینکه در محضر الهی به گناهان خود اقرار می‌کند، در حضور کشیشان نیز باید گناهان خود را برشمارد و از آن اعلام توبه کند. به هر روی در عقیده مسیحیت، شخص باید در حضور کشیش به تک تک گناهان خود و انواع آن به‌طور دقیق و با اعلام خصوصیات اشاره کند! (سلیمانی میمند، ۱۳۹۴: ۳۸) کلیسای کاتولیک رومی بر آن است که اعتراف، بخشی از مناسک توبه است؛ هر شخصی برای دریافت نان و شراب مقدس در شعائر عشاء ربانی باید اعتراف کرده باشد. مناسک اعتراف در کلیساهای ارتدکس یونانی، قبطی، سوری و سایر کلیساهای شرقی توصیه شده است. در بیشتر این کلیساهای، عمل اعتراف الزامی است، اما در برخی نیز کاملاً متنفی شده است. اعتراف به گناه نزد کشیش در مسیحیت ارتدکس و کاتولیک نیز به‌منظور کاهش گناه درست شده و همه آنان، حتی کشیشان و اسقفان و پاپ، آیین اعتراف را مکرراً به‌جا می‌آورند. البته اعتراف به گناه در مسیحیت پروتستان جایز نیست و از نگاه آنان، گناه را باید با خدا در میان گذاشت و استغفار کرد. این در حالی است که از منظر قرآن نیز اعتراف تنها نزد خدای متعال پسندیده می‌باشد (توبه: ۱۰۲) و اعتراف به گناه نزد دیگران جایز نیست. حتی در دین مبین اسلام، اعتراف در محضر ولی خدا، به‌صورت سربسته و کلی ممکن است و نیازی به تشریح و توضیح گناه نیست و دستور به اعتراف در محضر ربوبی داده شده است.

خداوند در داستان آدم و همسرش در اقرار به گناهی که مرتکب شدند، در قرآن چنین می‌فرماید: «گفتند: خدایا! ما در پیروی شیطان بر خود ستم کرده‌ایم و اگر ما را

نبخشایی و مورد رحمت قرار ندهی، از زیانکاران خواهیم شد.» (اعراف: ۲۳) خداوند توبه آنان را می‌پذیرد؛ زیرا «تنها خداست که توبه را از بندگانش می‌پذیرد» (شوری: ۲۵). هنگامی که آدم و حوا به نقشه شیطانی ابلیس واقف شدند، نخستین گام را اعتراف به ظلم و ستم بر خویشان قرار دادند و در نهایت با این عمل، توبه آنان پذیرفته شد.

د) جبران گناهان: در آموزه‌های انجیل و قرآن به‌طور صریح تأکید شده که در توبه، ترک گناه و پشیمانی کفایت نمی‌کند، بلکه باید آثاری را که گناهان در زندگی انسان پدید آوردند، با کارهای نیک، جبران نمود. در مسیحیت، بخشش الهی در اعمال مثبتی است که آن گناه خاص را می‌پوشاند، اما معمولاً به اشکالی خاص، نظیر روزه گرفتن، نماز و دعا و یا کمک به فقرا انجام می‌شود. از این جبران در قرآن به‌عنوان «کفارات و تکفیر»، «پوشاندن و پاک کردن» یاد می‌شود. (قرآنی، ۱۳۸۶: ۲۶۶) تکفیر یعنی انسان با کارهای نیک، آثار گناهان را از چهره جان خود بزدايد؛ «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ» (عنکبوت: ۷). نیز می‌فرماید: «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا...» (نور: ۵). عبارت «وَأَصْلَحُوا» بیانگر این است که شرط مهم توبه، اصلاح و جبران ضایعات گناه است. همین مضمون در آیات نساء: ۱۶، بقره: ۱۶۰ و آل عمران: ۸۹ نیز آمده است. بنابراین شرط پذیرفته شدن توبه آن است که انسان آنچه را با گناهان خود تباه و فاسد ساخته، با توبه درست و اصلاح کند، و خداوند به گروه توبه‌کاران تأکید می‌کند که آموزش و رحمت او شامل حالشان خواهد شد. با کوشش خالصانه و کردار سازنده، آنچه را از کف داده‌اند، تدارک و جبران کنند و آنچه را با گناهانشان تباه کرده‌اند، اصلاح نمایند.

و) استغفار: یکی از مواردی که از شرایط توبه به‌شمار می‌رود، استغفار بعد از ارتکاب گناه است؛ «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا» (نساء: ۱۱۰). همچنین می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ لَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (آل عمران: ۱۳۵). انسان هوشیار که اثر و تیرگی گناه را در شخصیت روحی خود احساس کرد، وسیله‌ای برای جبران آن می‌جوید و جز روی آوردن به مبدأ رحمت و خیر، راهی نمی‌یابد. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۳۳۸/۵) در نتیجه به استغفار روی می‌آورد. اگرچه گروهی معتقدند که فرقی میان استغفار و توبه نیست، ولی گروهی دیگر میان آن دو فرق گذارده‌اند، به آن جهت که استغفار مقدم بر توبه است و تقدم استغفار بر توبه به این معناست که انسان باید



خود را از گناهان پاک سازد، آن‌گاه خود را به اوصاف الهی بیاراید. در واقع استغفار، توقف در مسیر گناه و شست‌وشوی خویشتن است و توبه، بازگشت به سوی اوست. در مجموع در انجیل و قرآن، حقیقت توبه بازگشت از نافرمانی به سوی اطاعت است که ناشی از پشیمانی از گناه است. قرآن، پذیرش توبه با طی تمامی شرایط و ارکان را به خداوند منتسب می‌داند و انجیل، گاهی وساطت را به روح القدس نسبت می‌دهد، و یا حتی کشیش نیز با قرار دادن فدیه و کفاره، گناهان انسان را می‌بخشد و این‌گونه، شخص گناهکار بخشیده می‌شود.

۳-۳. آثار توبه

توبه و قبولی آن، از مواهب کم‌نظیر الهی است و اگر با اخلاص صورت گیرد، آثار مهمی را به دنبال خواهد داشت؛ «من نیامده‌ام تا پارسایان، بلکه تا گناهکاران را به توبه دعوت کنم.» (لوقا، ۳۱/۵) «اگر گناهان خود را به او اعتراف نماییم، او ما را می‌بخشد.» (یوحنا، ۱۰/۱) «شما نیز اگر توبه نکنید، همگی هلاک خواهید شد.» (همان، ۵/۱۳) آشکار است که این کلام بر اهمیت توبه و نقش آن در پیشگیری از هلاکت اشاره دارد. سرشت و طبیعت آدمی طوری آفریده شده که بسیاری از انسان‌ها در ورطه گناه سرازیر می‌شوند. اگر طریق توبه و قبول پذیرش نبود، هیچ انسانی جز معدودی از آنان، راه خلاصی از عذاب و کیفر الهی نداشت و از اینجا، اهمیت تشریح توبه در رابطه با رستگاری انسان معلوم می‌شود.

خداوند در آیه ۸ سوره تحریم، به پنج ثمره توبه حقیقی اشاره دارد که عبارت‌اند از: بخشودگی گناهان، ورود در بهشت پر نعمت الهی، عدم رسوایی در قیامت، نور ایمان و عمل، و توجه بیشتر آنها به خدا. همچنین اگر توبه واقعی انجام گیرد، خداوند علاوه بر نابودی گناهان، آنها را تبدیل به نیکی و حسنات می‌کند (فرقان: ۷۰). هنگامی که انسان توبه کرده و به خدا ایمان می‌آورد، عذاب جهنم از او دور می‌شود (تحریم: ۸). هنر توبه در آن است که موانع مهم استجاب دعا را رفع می‌کند (بقره: ۱۸۶). خداوند گناهکارانی را که متوجه خطا و اشتباه خویش شده‌اند، مورد لطف و عنایت خود قرار می‌دهد (انعام: ۵۴).

از آیات انجیل و قرآن چنین استنباط می‌شود که توبه با پشیمانی و دست کشیدن از گناه آغاز شده و با عمل صالح پایان می‌یابد. این عمل در عین حال تحول مثبتی را در

دل برای دست کشیدن از گناه پدید می‌آورد. توبه عمل ماست و بخشش، پاسخ خداوند است. توبه و گناه در مقابل یکدیگر قرار داشته و هر قدر توبه انسان قوی‌تر باشد، آثار تشریحی و وضعی گناهان بیشتر محو می‌گردد.

نتیجه‌گیری

گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی‌هاست. توبه، گناهان را از قلب خارج کرده و آن را شست‌وشو می‌دهد. داده‌های پژوهش حاکی از آن است که در زمینه گناه و توبه، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در انجیل و قرآن وجود دارد. مهم‌ترین برداشت‌های صورت‌گرفته از انجیل این است که گناه آدم به نوع بشر راه یافت و همه انسان‌ها گناه‌آلود به دنیا می‌آیند و راه بخشش گناهی که انسان بعد از غسل تعمید مرتکب شده، انجام عمل توبه و شرط پذیرش آن به دست عیسی مسیح عَلَيْهِ السَّلَامُ و کلیسا است. این درک مسیحیت از رابطه گناه و توبه با درک اسلام تفاوت دارد. در قرآن آمده که تمام افراد بشر با فطرت پاک الهی متولد می‌شوند و سرایت گناه آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ به نسل بشر اعتباری ندارد. تمام انسان‌ها، حتی پیامبران هم می‌توانند برای آموزش و بخشودگی خطاهایشان توبه کنند. خداوند خود برای نجات بشر اقدام کرده و نیازی به آموزش از سوی کشیش نیست. از منظر تعالیم انجیل، هرگونه نافرمانی گناه می‌باشد و توبه عملی ضروری برای نجات از تبعات گناه است. از این مسأله درمی‌یابیم بر مبنای اندیشه انجیل، همه انسان‌ها گناهکار هستند و باید توبه کنند.

بررسی و مقایسه مضامین قرآن و انجیل گواه این نکته است که هر دو کتاب به ارتباط میان گناه و توبه اشاراتی داشته‌اند. اگرچه در برخی موارد، نگاه آنها مشترک بوده، اما در قالب مضامین، تفاوت‌ها مشهود و به‌نوعی آموزه‌های قرآن متمایز و از وسعت بیشتری برخوردار بوده است. در انجیل اعتقاد بر آن است که قبل از آنکه بشر در مقابل گناه بخواهد یا بتواند کاری برای خویش انجام دهد، خداوند به‌وسیله مرگ عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ بر صلیب، این مهم را به انجام رسانده و از این‌رو، تمام پیروان عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ از اسارت گناه رها شده و نجات یافته‌اند. اما از دیدگاه قرآن، هر کس مسؤولیت اعمال خویش را بر عهده دارد و این انسان است که در برابر گناهان خویش باید پاسخگو باشد و برای پاک شدن از آن، به توبه روی آورد. در انجیل، اساس مسأله بر نفی آزادی اراده و اختیار انسان در ترک گناه به‌خاطر تأثیر گناه آدم و حوا در بهشت بر نسل او و اعتقاد به «گناه اولیه» و یا «گناه



نخستین» است، اما در قرآن با تأکید بر آزادی اراده و اختیار انسان در انتخاب خیر و شر و اینکه هر کس مسؤول گناه خویش است، اصل مسأله گناه و تأثیر مخرب آن بر روح و انسان به صورتی واضح تبیین گردیده و توبه، یکی از مهم‌ترین راهکارهای رهایی از گناه دانسته شده است. همچنین قرآن و انجیل قائل به این امر بوده‌اند که با توبه، گناهان انسان آمرزیده و دعاهایش به اجابت می‌رسد. اگرچه باید از این نکته غفلت نکنیم که در قرآن، آموزش به‌دست خداوند اتفاق می‌افتد و انسان مجاز به اعتراف گناهان تنها در پیشگاه خداوند است، اما در انجیل، انسان به درگاه کشیش اعتراف می‌کند و تأیید توبه توسط کشیش صادر می‌گردد! نیز قرآن و انجیل، نجات آدمی را مرهون فرآیند توبه می‌دانند؛ با این تفاوت که قرآن به گناه نخستین و تبعات آن اعتقادی ندارد و آفرینش انسان با فطرتی پاک را مسجل می‌داند. در نهایت می‌توان گفت هر دو کتاب مقدس، ایمان به خدا همراه با عمل شایسته و توبه را عامل رهایی از گناه معرفی کرده‌اند، اما شیوه این رهایی‌بخشی در دو دین متفاوت است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آریان، حمید؛ جهان‌پناه، محمدعلی (۱۳۹۸)، «عوامل مؤثر بر اراده انسان و تقویت آن در راستای انجام عمل صالح از نظر قرآن»، معرفت، شماره ۲۵۷، ص ۷۷-۸۶.
۳. آقچه کهریزی، بهرام (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی توبه و اعتراف به گناه از دیدگاه اسلام و مسیحیت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اراک، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۴. ابن فارس، ابوالحسن احمد (۱۴۱۱ق)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دارالجمیل.
۵. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۵ق)، لسان‌العرب، قم: انتشارات ادب.
۶. استات، جان (بی‌تا)، مبانی مسیحیت، ترجمه روبرت آسربان، تهران: بی‌نا.
۷. انجیل عیسی مسیح (۱۳۷۵)، ترجمه تفسیری عهد جدید، تهران: بی‌نا.
۸. آگوستین، سنت (۱۳۹۲)، شهر خدا، ترجمه حسین توفیقی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۹. بوش، ریچارد و دیگران (۱۳۷۴)، جهان مذهبی: ادیان در جوامع امروز، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. پترسون، مایکل و دیگران (۱۳۷۶)، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران: طرح نو.
۱۱. جعفری، یعقوب (بی‌تا)، تفسیر کوثر، بی‌جا: بی‌نا.

۱۲. حقانی زنجانی، حسین (۱۳۶۵). «درس‌هایی از مکتب اسلام، توبه در اسلام و مسیحیت»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۲۶، شماره ۸، ص ۴۱-۶۲.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. دیلم، نعمت‌الله؛ باقری خلیلی، علی اکبر (۱۳۹۹)، «بررسی جلوه‌های مختلف هبوط حضرت آدم علیه السلام از منظر ادیان و عرفان»، مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره ۶، شماره ۲، ص ۶۰-۷۶.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۸)، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، قم: المکتب المرتضوی.
۱۶. رمضانی، رضا (۱۳۸۳)، کلیات گناه‌شناسی، قم: صحیفه معرفت.
۱۷. زبیدی، محمد مرتضی (۱۳۸۶)، تاج العروس، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۷۶)، درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت، قم: چاپ باقری.
۱۹. سلیمانی میمند، مریم (۱۳۹۴)، «بررسی سنت توبه و اعتراف به گناه از دیدگاه اسلام و مسیحیت»، تحقیقات جدید در علوم انسانی، دوره ۱، شماره ۶، ص ۳۷-۴۸.
۲۰. طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۹)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات دارالکتاب الاسلامیه.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۳. عاطف الزین، سمیح (۱۴۲۲ق)، معجم تفسیر مفردات الفاظ القرآن الکریم، بیروت: دار الافریقیه.
۲۴. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، تهران: انتشارات ایران.
۲۵. غزالی، محمد (۱۴۰۶ق)، احیاء علوم الدین، بیروت: دارالعلم الاسلامی.
۲۶. قرائتی، محسن (۱۳۹۱)، گناه‌شناسی، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی.
۲۷. قرضایی، یوسف (۱۳۸۰)، توبه، ترجمه احمد نعمتی، تهران: انتشارات احسان.
۲۸. لگنهاوزن، محمد (بی تا)، اسلام و کثرت‌گرایی دینی، ترجمه نرجس جواندل، تهران: مؤسسه فرهنگی طه.
۲۹. محمدی، لیلی (۱۳۹۰)، بررسی گناه و نجات در مسیحیت، تبریز: دانشگاه تربیت معلم آذربایجان.
۳۰. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، آزادی معنوی، تهران: انتشارات صدرا.
۳۲. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۷)، عقائد الامامیه، تهران: انتشارات انصاریان.
۳۳. معلوف، لوئیس (۱۳۸۲)، المنجد (فرهنگ بزرگ جامع نوین)، ترجمه احمد سیاح، تهران: انتشارات اسلام.
۳۴. مک گراث، آلستر (۱۳۸۶)، الهیات مسیحی، ترجمه بهروز حدادی، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۳۶. نراقی، احمد (۱۳۷۱)، معراج السعاده، قم: انتشارات هجرت.



۳۷. ویور، مری جو (۱۳۸۱)، درآمدی به مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۳۸. هاکس، جیمز (۱۳۷۷)، قاموس کتاب مقدس، تهران: نشر اساطیر.
۳۹. هاوی، ون آستن (۱۳۹۰)، فرهنگ الهیات مسیحی، ترجمه جواد طاهری، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴۰. هیلنز، جان آر (۱۳۸۶)، فرهنگ ادیان جهان، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
41. Addai-Mensah, P (2020), "A Theological Reflection on the Concept of Sin in Christianity", *Journal of Humanities, Arts and Social Sciences*, 1 (4), 101-119.
42. Andersen, N (2019), *The Divine Gift of Forgiveness*, Utah: Deseret Book Co.
43. Anselm, C (2012), *Why God Became Man and the Virgin Conception and Original Sin*, (1100), 6Ed, Albany: Magi Books.
44. Augustine, H (1989), *City of God*, New York: Ingles.
45. Baham, M (2020), Paul's Recognition of Life and Living with Original Sin, *Journal for the Study of the New Testament*, 12 (8), 1-15.
46. Coelho, C. , and De Lima, E (2021), The seven deadly sins and ethnography, *Organizations and Management an International Journal*, 16 (2), 315- 331.
47. Edwards. J (2017), *Original Sin*, London: Yale University Press.
48. Harmon, M. , and Gladd, B (2020), *Rebels and Exiles: A Biblical Theology of Sin and Restoration (Essential Studies in Biblical Theology)*, New York: Ingles.
49. Harper, K (2016), *From Shame to Sin: The Christian Transformation of Sexual Morality in Late Antiquity*, New York: Ingles.
50. Harris, J (2021), *Christianity and Social Justice: Religions in Conflict*, New York: Ingles.
51. Moral, R (2021), Aesthetics of Evil in middle Ages: Beasts as Symbol of the Devil, *Journal of Religions*, 12 (957), 1-18.
52. Pitter, B (2021), *Introduction to the Spiritual Life: Walking the Path of Prayer with Jesus*, New York: Independently Publications.
53. Sugich, M (2019), *Hearts Turn: Sinners, Seekers, Saints and the Road to Redemption*, New York: Ingles.
54. Thomas, Matthew (2012), Paul and Works of the Law, *Canadian Theological Review*, 1 (1), 248-263.